

# بررسی مناسبات سیاسی ایلخان بختیاری و شاه قاجار از آغاز تا انقلاب مشروطیت

دکتر غفار پوربختیار

استادیار تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر

[Porbakhtiarghafar@yahoo.com](mailto:Porbakhtiarghafar@yahoo.com)

دکتر عبدالعزیز موحّد

استادیار تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۰/۲ تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۲/۲

## چکیده

از سال ۱۲۸۴ هـ ق که اولین ایلخانی بختیاری طی فرمانی از جانب ناصرالدین شاه منصوب گردید تا انقلاب مشروطیت، روابط پرفراز و نشیبی میان شاهان قاجار و ایلخان های بختیاری شکل گرفت که برآمده از یک سلسله عوامل بود. عوامل پنج گانه ای همچون چگونگی برقراری نظم و امنیت ایلی و فرا ایلی، نحوه جمع آوری مالیات و پرداخت آن به خزانه دولت قاجار، کیفیت دادن سوار به دولت و کمک به آن در جنگ های داخلی و خارجی، برقراری روابط دوستانه با شاه و مقامات قاجاری و سرانجام مسئله قدرت یابی بیش از اندازه یک ایلخانی، از مهمترین عوامل تأثیرگذار بر روابط ایلخانی بختیاری و شاه قاجار بوده است. در این پژوهش نقش و تأثیر هر کدام از این عوامل مورد بررسی و سنجش قرار گرفته و روشن می گردد که مسئله قدرت یابی فراتر از حد ایلخانی بختیاری که شاه و دربار قاجار را به هراس افکنده بود بیشتر از سایر عوامل بر چگونگی روابط طرفین و بویژه سرنوشت یک ایلخان تأثیرگذار بوده است.

واژگان کلیدی: شاه قاجار- ایلخانی بختیاری- امنیت- قدرت- مالیات

## طرح مسئله

ایل بختیاری به عنوان یکی از قبایل قدرتمند جنوب ایران از آغاز تاسیس سلسله قاجار روابط متنوعی با شاهان این سلسله داشته است. در رأس این ایل مقامی بنام ایلخانی وجود داشت. اولین ایلخان بنام حسینقلی خان بختیاری در ۱۲۸۴ هـ ق توسط ناصرالدین شاه منصوب گردید. ایلخان بختیاری دارای روابط پرفراز و نشیبی با شاه و مقامات دولت قاجار بود. روابطی که با توجه به تاثیرات آن برآینده ایل بختیاری، شناخت آن برای پژوهشگران از اهمیت زیادی برخوردار است. در تنظیم فرایند این روابط، پنج مسئله و یا عامل مهم وجود داشت که تاثیرات عمیقی بر چگونگی روابط شاه و ایلخان برجای می نهاد. مطالعه موردی ما در این پژوهش بررسی رفتار و عملکرد حسینقلی خان بختیاری به عنوان اولین و برجسته ترین ایلخان بختیاری و نیز نوع نگاه شاه و مقامات دولتش به این رفتار و عملکرد می باشد. ایلخانی که جان خود را بر سر همین کیفیت روابط خود با ناصرالدین شاه قاجار باخت اما نوع رفتار و عملکردش به عنوان الگویی برای ایلخان های بعدی بختیاری مدنظر قرار گرفت تا اقدامات موفقیت آمیز او را تداوم بخشند و در عوض از رفتارها و عملکرد وی که منجر به سرنگونی و قتل او گردید پیروی نمایند. البته در این نوشتار روابط ایلخان های پس از حسینقلی خان با شاه و دولت قاجار تا زمان وقوع انقلاب مشروطیت نیز مورد تحقیق و بررسی قرار خواهد گرفت.

در این تحقیق، پژوهشگر به دنبال مطالعه، بررسی و سنجش میزان نقش و تاثیر هر کدام از عوامل پنج گانه در فراز و فرود روابط ایلخان های بختیاری با شاه و دولت قاجار می باشد و تلاش می گردد تا با استفاده از اسناد منتشر نشده و منابع و متون اصلی دوره قاجار روشن گردد که کدامیک از عوامل پنج گانه مذکور، تاثیرات قاطع و عمیق تری بر روابط ایلخان بختیاری با شاه قاجار داشته است.

## ادبیات تحقیق

اگر چه در خصوص تاریخ ایل بختیاری تاکنون کتاب های متعددی منتشر گردیده است اما واقعیت این است که اغلب این آثار فاقد ارزش علمی می باشند و صرفاً به علت ذوق و احساسات نویسندگان بختیاری تبار نگاشته شده اند: بنابراین تعداد پژوهش های علمی که در خصوص تاریخ ایل بختیاری و بویژه روابط این ایل با دولت قاجار منتشر شده است، از تعداد انگشتان دست فراتر

نمی رود. با ارزش ترین تحقیقات در این باره را پرفسور گارثویت انجام داده است. دو کتاب وی با عنوان «تاریخ سیاسی اجتماعی بختیاری» و «بختیاری در آئینه تاریخ» که به فارسی ترجمه گردیده اند از نظر متن کاملاً مشابه هم می باشند. گارثویت در این دو کتاب مطالبی درباره روابط خان های بختیاری با دولت قاجار ارائه کرده است. همچنین وی مقالاتی نیز درباره ایل بختیاری و روابط آن با حکومت های مختلف ایران دارد. غلامرضا میرزایی نیز در کتاب «بختیاری ها و قاجاریه» به روابط میان بختیاری ها و دولت قاجار پرداخته است. خدابخش قربان پور دشتکی در کتاب «انگلیس و بختیاری» بدون اینکه سخن چندانی از روابط میان ایلخان و شاه به میان آورد صرفاً به روابط میان خان های بختیاری با انگلیسی ها پرداخته است. جدیدترین اثر پژوهشی درباره تاریخ ایل بختیاری کتابی نوشته آرش خازنی است تحت عنوان «Tribe and Empire» که در سال ۲۰۰۹ منتشر شده است. نویسنده در این اثر به کلیت روابط میان بختیاری ها و دولت قاجار پرداخته و از بررسی اختصاصی روابط ایلخان های بختیاری و شاهان قاجار صرف نظر کرده است. بنابراین با توجه به خلا پژوهشی در این زمینه، این پژوهش به دنبال مطالعه و ارزیابی مسائل و عوامل تأثیرگذار بر روابط میان شاهان قاجار و ایلخان های بختیاری برآمده است.

### پرسش تحقیق

پژوهشگر این مقاله در مقام یافتن پاسخ به این سؤال اساسی است که کدام یک از عوامل و مسائل پنج گانه که تعیین کننده کیفیت روابط میان شاه قاجار و ایلخان بختیاری می باشند، بر روابط میان طرفین تأثیرات بیشتر و عمیق تری داشته است؟

### روش تحقیق

در این پژوهش برای جستجوی راه حل مساله و یافتن پاسخ به سؤال تحقیق از روش تحلیلی- تطبیقی بهره گرفته شده است. قابل یادآوری است که ابتدا اطلاعات و داده های تحقیق به هنگام مطالعه اسناد و منابع اصلی مورد استخراج و فیش برداری قرار گرفته و پس از ارزیابی و اطمینان از میزان ارزش و اعتبار آنها، در متن این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته اند.

### فرضیه تحقیق

این پژوهش بر این فرضیه استوار است که گرچه مسائل و عواملی همچون برقراری نظم و امنیت ایلی، پرداخت مالیات به دولت، کمک به شاه و دولتش در شورش های داخلی و جنگ های خارجی و تلاش برای برقراری روابط دوستانه با شاه و مقامات دولتش، می تواند در حد خود بر روابط میان شاهان قاجار و ایلخان های بختیاری تاثیرگذار باشد اما میزان قدرت یابی بیش از اندازه یک ایلخان می تواند تاثیرات خیلی بیشتر و عمیق تری بر نوع روابط شاه قاجار و دولتش با ایلخان بختیاری به جای بگذارد و در صورتی که یک ایلخان بختیاری همه انواع کمک ها و خدمات خود را به شاه و دولت قاجار ارائه دهد و حتی روابط نزدیک و دوستانه با آنها را نیز برقرار کرده باشد، اما هر زمانی که قدرت و ثروت بیش از اندازه کسب کند، شاه قاجار تمام خدمات و زحمات او را نادیده نگاشته و در پی تضعیف، سرنگونی و چه بسا قتل وی برخواهد آمد.

### ایلخان و مسئله نظم و امنیت

پس از اینکه فرمان ایلخان بختیاری توسط شاه قاجار صادر می شد، از همان لحظه وظایف و مسئولیت های ایلخان جدید آغاز می گردید. یکی از اولین و مهمترین وظایف و مسئولیت های او در مقابل شاه قاجار تلاش برای برقراری و حفظ نظم، آرامش و امنیت در قلمروی حکومتی خود بوده است. (دالمانی، ۱۳۷۸: ۷۲۲)

مسئله نظم و امنیت از مسائلی بود که سخت مورد توجه مقامات دولت قاجار بود. هم شاه و هم صدراعظمش دغدغه زیادی برای جلوگیری از هر گونه ناآرامی و اغتشاش درکشورداشتند و کوشش به عمل می آوردند تا بویزه در میان ایلات و عشایر آرامش و امنیت برقرار باشد. ایل بختیاری طی سالیان طولانی از تفرقه، ناآرامی و نا امنی رنج می برد و مطالعه سفرنامه های بجامانده از بیگانگان در دوران اولیه حکومت قاجار همچون سفرنامه لایارد و سفرنامه راولینسون نشان می دهد که نا امنی راهزنی و قتل و غارت در میان قلمرو ایل بختیاری بسیار بوده است. (لایارد، ۱۳۷۶: ۱۲۴-۱۲۵ و ۱۳۰) و (راولینسون ۱۳۶۲: ۱۴۸-۱۵۰) یکی از مهمترین علل این وضعیت فقدان وحدت در میان طوایف مختلف بختیاری بوده است. در راس هر طایفه بختیاری یک خان وجود داشت و لذا خوانین متعدد بر سر قدرت و حکومت بختیاری با یکدیگر به مبارزه و منازعه برخاسته بودند. همین درگیری ها در میان آنها، خود بیشتر به آشوب و هرج و مرج از یک سو و قتل و غارت از سوی دیگر در ایل بختیاری می انجامید (لایارد و همکاران، ۱۳۷۱: ۳۸ و ۵۰).

تا اینکه در عصر ناصرالدین شاه سیاست داخلی دولت قاجار نسبت به ایل بختیاری دچار دگرگونی گردید و برای برون رفت از مشکل ناامنی و درگیری های پی در پی این دولت متمایل به وحدت بختیاری ها و تشکیل اتحادیه ایلی برای آنها با انتصاب یک ایلخان در رأس آن شد. امری که توسط حسینقلی خان بختیاری زمینه های آن فراهم گردیده بود. (Garth wait, 1978: 180) حسینقلی خان که پس از بیست سال تلاش توانسته بود نظم و امنیت را در ایل بختیاری بوجود آورد در سال ۱۲۷۹ هـ ق از سوی ناصرالدین شاه ابتدا عنوان و لقب «ناظم بختیاری» یافت (امیری، ۱۳۸۵، ۴۵۶-۴۵۷) و سپس طی فرمانی از سوی همین شاه در شعبان ۱۲۸۴ هـ ق به مقام «ایلخانی بختیاری» منصوب گردید. (همان، ۴۵۸-۴۵۹) ناصرالدین شاه در متن هر دو فرمانی که برای حسینقلی خان صادر نمود تاکید بسیاری بر نظم و انتظام بخشی به ایل بختیاری و جلوگیری از هر گونه اغتشاش و ناامنی در درون این ایل نموده بود. تقریباً در همه فرامین حکومتی که شاهان قاجار برای انتصاب ایلخان های بختیاری صادر می کردند، بر مسئله برقرار نظم و امنیت و مبارزه با هرگونه اغتشاش و ناامنی در ایل تاکید گردیده بود.

در فرمان تلگرافی که عین الدوله صدراعظم مظفرالدین شاه خطاب به علی قلی خان سردار اسعد در ۱۳۲۳ هـ ق صادر نموده و او را به مقام ایلخان بختیاری منصوب نمود نوشته است: «ذات اقدس شهریاری مقرر فرمودند تا هر چه زودتر امنیت در قلمرو بختیاری برقرار گردد و مردم در ظل توجهات شاهانه در رفاه و آسودگی بسر برند. لذا به موجب این کلمه شما را بطور دائم به سمت ایلخانی بختیاری منصوب می کنیم... شما موظف خواهی بود که با هرگونه آشوب و هرج و مرج مبارزه کنید و مطمئن شوید که در آینده نظم و امنیت در قلمرو بختیاری برقرار خواهد شد ...» (امیری، ۱۳۸۵: ۱۸۲).

بیشوپ می نویسد که: «تمام طوایف بختیاری از یک ایلخانی اطاعت می کنند و او نیز در مقابل شاه مسئول تامین امنیت در قلمرو بختیاری است.» (بیشوپ، ۱۳۷۵: ۱۴۹-۱۵۰) میزان رضایت شاه و مقامات دولت قاجار از ایلخانی بختیاری به توانایی و شایستگی وی در تسلط همه جانبه بر ایل و حفظ آرامش و امنیت آن بستگی داشت. حسینقلی خان بختیاری به عنوان اولین ایلخان بختیاری منصوب شده از جانب ناصرالدین شاه در طی وران حکومت سی ساله خود سعی و افری در برقراری امنیت، نظم و آرامش در سراسر حوزه حکمرانی خود به عمل آورد (سردار اسعد، ۱۳۷۶: ۱۷۱) و در مبارزه با هر گونه بی نظمی، راهزنی و ناامنی در ایل بختیاری موفقیت بدست آورد. (دالمانی، ۱۳۷۸: ۷۲۱).

کرزن می نویسد: «حسینقلی خان... راهزنی را از بین برد و راهها را امن کرد» (کرزن، ۱۳۷۳: ۳۵۸) وی با شایستگی و کفایت تمام توانست با اغلب آمران و عاملان اغتشاش و ناامنی در درون ایل و حتی خارج از ایل بختیاری با شدت عمل برخورد نموده و آنها را بر سر جای خود نشاند و آرام نماید (ویلز، ۱۳۶۸: ۳۰۳-۳۰۴). مثلاً حسینقلی خان در درون ایل با دستگیری مسببان ناامنی و اغتشاش همچون موسی خان بآبادی عکاشه و پسرانش و تحویل آنها به دولت-که منجر به اعدام آنها گردید- (عکاشه، ۱۳۶۵: ۸۸-۹۰) و در بیرون از ایل بختیاری در مبارزه با اغتشاشگران عرب همچون میرعبداله خان رئیس طایفه شریفیات، شیخ لطفه بنی کعب و حسین بن ابدال خان، و همچنین طغیانگرانی چون شیخ عبیدالله کرد و قبادخان قشقایی، با شدت عمل برخورد نموده (سردار ظفر، ۱۳۶۲: ۱۷۵-۱۷۸ و ۱۸۹-۱۹۳) و دولت قاجار را مورد رضایت خاطر از خود قرار داد. (Garth wait, 1977: 156)

حسینقلی خان در اواخر عمر خود که مورد بی مهری و به عبارت بهتر دشمنی شاهزاده فرهاد میرزا عمومی ناصرالدین شاه و حاکم فارس قرار گرفت، در عریضه ای به شاه به سال ۱۲۹۷ هـ ق که در آن استعفای خود را از خدمات دولتی استدعا کرده بود خدمات و زحمات خود در برقراری آرامش و امنیت در ایل بختیاری و خارج از آن را این چنین به شاه خاطر نشان می نماید: «... حال سی سال است که شب و روز جان فشانی میکنم. بختیاری را با آن شررات مثل رعیت لنجان نموده ام... سالی شش ماه در سر حد اصفهان می آیم مشغول نظم بختیاری و وصول مالیات آنها هستم، شش ماه دیگر را در عربستان و لرستان در رکاب حکومت خدمت میکنم. با سوار و تفنگچی در هوای گرم عربستان از خود زحمت و ضرر را متحمل می شوم. البته بقدر پانصد نفر اشرار اعراب بدست بختیاری به قتل رسیده، صد نفر بختیاری در جنگ اعراب کشته شده است اگر بخواهم تفصیل بدهم جسارت است...» ناصرالدین شاه در هامش نامه حسینقلی خان نوشته است: «ایلخانی عریضه شما را ملاحظه فرمودیم، حقیقتاً از نظم عمل و خدمات شما بسیار راضی هستیم همینطور است که عرض کرده اید... کمال خدمت را کرده اید... باز هم باید خدمت بکنید. در حقیقت حالا اول خدمت شماست... از التفات ما نسبت به خود و اولاد خود خاطر جمع باشید و هرگز خیال استعفا از خدمت نکنید.» (تصویری از عریضه ایلخانی به شاه در آرشیو نگارنده)

با توجه به نامه فوق که نشان دهنده کمال رضایت و خشنودی شاه قاجار از زحمات حسینقلی خان ایلخانی در برقراری نظم و امنیت در داخل و خارج ایل بختیاری می باشد و با توجه به اینکه اغلب منابع مذکور در سطور گذشته از شایستگی و توانایی حسینقلی خان ایلخانی در برقراری

نظم و امنیت نه فقط در ایل بختیاری بلکه حتی در خوزستان و چهارمحال سخن می گویند، می توانیم چنین دریابیم که اگر چه شاه و دولت قاجار حساسیت زیادی بر روی نظم و امنیت ایل بختیاری و مناطق همجوار آن داشته اند، اما حسینقلی خان ایلخانی خواسته های آنها را با توانایی و اقتدار خود برآورده ساخت و لذا مسئله بی نظمی و ناامنی در ایل بختیاری وجود نداشته است تا در سرنوشت غم انگیز حسینقلی خان تأثیر داشته باشد.

### ایلخانی و مسئله پرداخت مالیات

یکی دیگر از وظایف و تعهدات ایلخان های بختیاری در مقابل شاهان و دولت قاجار مسئله جمع آوری مالیات از ایل بختیاری و پرداخت آن به دولت بود. (دالمانی، ۱۳۷۸: ۷۲۲) و (لمبتون، ۱۳۳۹: ۲۹۹) مسئله مالیات و پرداخت به موقع و به اندازه آن به خزانه دولتی از نظر شاه قاجار و مقامات دولتش دارای حساسیت و اهمیت زیادی بود. هر گونه بی نظمی و تأخیر در جمع آوری و واریز مالیات به خزانه دولت و یا کاهش میزان مالیات پرداختی موجبات خشم و نارضایتی شاه و دولت قاجار را فراهم می آورد. تا جایی که یکی از مهمترین علل نارضایتی محمد شاه قاجار از محمد تقی خان چهارلنگ بختیاری که منجر به سرنوشت تلخی - دستگیری و مرگ در زندان - برای این خان بختیاری گردید، عدم پرداخت به اندازه و به موقع مالیات مدنظر شاه قاجار بود. لایارد در این باره می نویسد: «... معتمد حکمران اصفهان و بختیاری تقاضای مالیات های عقب افتاده بختیاری را از وی (محمد تقی خان) می کرد... قبلاً شاطر باشی معتمد همراه شفیع خان وارد قلعه تل شده بود تا مالیات عقب افتاده بختیاری را که مبلغ ده هزار تومان یعنی معادل پنج هزار پوند بود، وصول نماید. سه هزار تومان از این مبلغ بایستی به خزانه شخصی شاه و سه هزار تومان در وجه شخص معتمد و باقی می بایست به خزانه عمومی دولت واریز گردد...» (لایارد، ۱۳۷۶: ۱۴۹)

بختیاری ها دو نوع مالیات به دولت قاجار می پرداختند. یکی مالیات دامی یا گله داری که به مالیات شاخ شماری مشهور بود و اهمیت بیشتری داشت و دیگری مالیات ارضی یا کشاورزی که دارای اهمیت کمتری بود. شاهان قاجار معمولاً عمل گردآوری و تحویل مالیات دامی ایل به خزانه دولت را به ایلخان و معاونش ایل بیگی بختیاری می سپردند. این دو نیز مالیات هر طایفه یا تیره را از خان و یا کلانتر آن طلب می کردند. دولت قاجار اغلب مقام و منصب ایلخانی و ایل بیگی بختیاری را به خان هایی واگذار می کردند که بتوانند مالیات بیشتری آنهم بموقع به آنها پرداخت کند. (گارنویت، ۱۳۷۳: ۱۴۸)

قاجارها معمولاً مالیات زیاد و سنگینی را از ایل بختیاری طلب می کردند که البته پرداخت آن بسیار فراتر از حد توان آنها بود. ادوارد استاک که در ۱۲۹۸ هـ/ق/۱۸۸۱ م با حسینقلی خان ایلخانی دیدار داشت می نویسد که: «... [بختیاری ها] حالا سالیانه در حدود ده هزار تومان مالیات به ظل السلطان می پردازند.» (لایارد و همکاران، ۱۳۷۱: ۲۰۴). ایزابلا بیثوپ که در ۱۳۰۷ هـ/ق/ ۱۸۹۰ م با اما مقلی خان حاجی ایلخانی دیدار نمود سخن از بیست هزار تومان مالیات سالیانه منطقه چهارمحال بمیان می آورد که به ایلخانی بختیاری پرداخت می شود (بیثوپ، ۱۳۷۵: ۶۲) بیثوپ نیز از کل مالیات سالیانه ای که بختیاری ها به حاکمان اصفهان و یا خوزستان می پردازند سخنی زانده است. کرزن می نویسد: «در حال حاضر سهم مالیات سالانه سرزمین بختیاری که ایلخانی پرداخت می کند ۲۲۰۰۰ تومان به حاکم اصفهان و ۱۵۰۰۰ تومان به حاکم خوزستان است. (کرزن، ۱۳۷۳: ۳۶۲)

حسینقلی خان ایلخانی در دوران حیات و حکومت خود بر ایل بختیاری سعی و افری نمود تا مالیات ایل بختیاری را به موقع و منظم به خزانه حاکم اصفهان و حاکم خوزستان واریز نماید. تلاش وی در همین راستا با موفقیت همراه بود و اغلب منابع از پرداخت منظم و به موقع مالیات ایل بختیاری به دولت قاجار سخن رانده اند. (بیثوپ، ۱۳۷۵: ۱۳۰) (Garth wait, 1975: 27) و (امیری، ۱۳۸۵: ۴۶۷)

## سوار پا رکابی بختیاری

یکی دیگر از مسائلی که بر نحوه تعامل و نوع روابط شاه و دولت قاجار با ایلخانی بختیاری تاثیر داشت، اعزام سوار و سرباز از جانب بختیاری ها به پایتخت بود. دالمانی می نویسد: «شاه از هر ده خانوار ایل بختیاری، دو سرباز پیاده و یک سرباز سوار در اختیار می گیرد اما این روال همیشگی نیست.» (دالمانی، ۱۳۷۸: ۷۲۳)

ایل بختیاری در دربار ناصرالدین شاه و دیگر شاهان قاجار دارای سوار ویژه ای بودند که به سوار پا رکابی مشهور بودند زیرا که قرار بود آنان در رکاب شاهان قاجار باشند. وجود این سوار ویژه در پایتخت و در دربار شاه در برقراری روابط حسنه قاجارها با ایلخان های بختیاری تاثیر بسیار داشت. البته بعضی منابع معتقدند که این سواران و بویژه فرمانده آنان که معمولاً فرزند ایلخان وقت بختیاری بوده است، در حقیقت در حکم گروگان های بودند که تضمین برای جلوگیری از شورش



خان بختیاری و خوش رفتاری آنها در مقابل دولت قاجار بوده است. (کرزن، ۱۳۷۳: ۳۶۸) (دالمانی، ۱۳۷۸: ۷۲۳) سوار بختیاری در زمان حسینقلی خان ایلخانی و توسط وی تاسیس گردید. تعداد آن یکصد نفر بود که همیشه پنجاه نفر در تهران به خدمت مشغول بودند و پنجاه نفر دیگر در چهارمحال به استراحت مشغول بودند. پس از شش ماه آنها جابجا می گردیدند. ماموریت این سوار حضور در پایتخت و حفاظت از جان ناصرالدین شاه و شرکت در تامین امنیت پایتخت بوده است. قرار بود تا این نیروی سوار، در رکاب ناصرالدین شاه بوده و محافظت از وی را بر عهده بگیرند، اما شاه آنها را در اختیار پسرش ظل السلطان قرار داده و به اصفهان فرستاد.

(سردار اسعد، ۱۳۷۶: ۱۷۲) پس از قتل حسینقلی خان، این سوار دوباره به تهران منتقل و در اختیار میرزا علی اصغر خان امین السلطان صدراعظم قرار گرفت. فرمانده این سوار پسر ایلخان وقت بختیاری بود. یعنی هر خانی که به مقام ایلخانی بختیاری می رسید از شاه تقاضا می کرد تا پسرش را به عنوان فرمانده سوار پا رکابی بپذیرد. در زمان تأسیس این سوار پسران حسینقلی خان ایلخانی وقت به نام های اسفندیارخان و علی قلی خان به ترتیب درجات سرتیپی و سرهنگی این سوار را بر عهده داشتند. (بی بی مریم، ۱۳۸۲: ۳۱).

ناصرالدین شاه طی فرمانی در ذی قعدة ۱۲۸۵ به پاس رضایت از «خدمات شایان و جان نثاری های فراوان» حسینقلی خان ایلخانی، بزرگترین پسر وی بنام اسفندیارخان را به درجه سرهنگی سوار بختیاری منصوب نموده بود. (امیری، ۱۳۸۵: ۴۶۱).

همین شاه قاجار در جمادی الاول ۱۲۸۸ طی فرمانی دستور داد تا حسینقلی خان ایلخانی «... عالیجاه اسفندیارخان پسر خود را با خمسین سوار از سوار جمعی بختیاری که دارد همراه داشته به رکاب مستطاب مبارک حاضر شود و ... اسفندیار خان را با خمسین سوار در رکاب همایون بگذارد که مشغول خدمت باشند...» (امیری، ۱۳۸۵، ۴۶۲) پس از قتل حسینقلی خان در رجب ۱۲۹۹ هـ ق و انتصاب برادرش امام قلی خان حاجی ایلخانی به مقام ایلخانی بختیاری پسر بزرگ وی محمد حسین خان به ریاست سوار پا رکابی منصوب شد و در ۱۳۰۷ هـ ق نیز که رضا قلی خان برادر کوچکتر به مقام ایلخانی رسید، پسر بزرگ وی بنام ابراهیم خان ضرغام السلطنه به فرماندهی این سوار رسید. (عکاشه، ۱۳۶۵: ۲۹۷) ناصرالدین شاه شخصاً به سوار پا رکابی توجه و علاقه زیادی نشان می داد. او هر از چند گاهی از این سوار سان می دید و دستور داده بود تا بهترین مساکن، بالاترین مواجب و بهترین خوراک و پوشاک برای آنان در نظر گرفته شود (عکاشه، ۱۳۶۵: ۳۰۵-۳۰۷) و منطقه ای در چهارمحال بنام میزدج به عنوان تیول این سوار قرار داده شود. (گالت، ۱۳۸۷: ۵۰)

به هنگام قتل ناصرالدین شاه در ۱۳۱۳ هـ ق فرماندهی این سوار با علی قلی خان سردار اسعد پسر حسینقلی خان بود که نقش خطیری در کمک به امین‌السلطان صدراعظم برای حفظ آرامش و امنیت پایتخت طی چهل روز تا رسیدن شاه جدید ایفا نمود. (سردار اسعد، ۱۳۷۶: ۱۷۶) تأسیس این سوار و تداوم حضور آن در پایتخت نشان از نزدیکی روابط میان شاهان قاجار و ایلخان‌های بختیاری داشت.

### کمک به دولت در جنگ با متجاوزان خارجی و متمرّدان داخلی

در طی دوره قاجار، بختیاری‌ها دوشادوش سپاهیان دولت در جنگ‌های خود با عثمانی و روسیه تزاری شرکت نموده و جنگاوری و شجاعت خود را در این نبردها بروز داده‌اند. (سردار اسعد، ۱۳۷۶: ۱۶۹-۱۷۰) به هنگام وقوع هر جنگی میان ایران و کشورهای بیگانه، دولت قاجار از ایلخان بختیاری نیروی کمکی درخواست می‌کرد و ایلخانی نیز چه از نظر وظیفه و چه از نظر حفظ روابط دوستانه با دولت مرکزی با تعدادی سوار و تفنگچی حضور خود را اعلام می‌داشت. به هنگام حمله انگلیس به خرمشهر در جمادی الاول ۱۲۷۳، حسینقلی خان ایلخانی با تفنگچی‌ها و سواران بختیاری‌اش در کنار دیگر نیروهای ایرانی حضور داشت و در دفاع از مرزها در مقابل متجاوزان انگلیسی شرکت نمود. (احتشام الدوله، ۱۳۸۲: ۲۸ و ۳۴) و (هنت، ۱۳۶۲: ۹۳)

از سوی دیگر به هنگام ترمرد و شورش ایلات و عشایر داخل کشور نیز ایلخان‌های بختیاری به دستور شاه و مقامات دولت قاجار و در راستای کسب رضایت آنها به نبرد با متمرّدین و شورشیان می‌پرداختند. حسینقلی خان ایلخانی به دستور دولت قاجار در جنگ با قباد خان قشقایی به دستور ناصرالدین شاه و سرکوب او در ۱۲۸۸ هـ ق (سردارظفر، ۱۳۶۲: ۱۹۲-۱۹۳) در جنگ با میرعبدالله خان عرب رئیس طایفه شریفات و سرکوبی طغیان او (سردار ظفر، ۱۳۶۲: ۱۷۴-۱۷۵) در سرکوبی شورش شیخ لطفه شیخ المشایخ طایفه بنی کعب در ۱۲۹۲ هـ ق (سردار ظفر، ۱۳۶۲: ۱۸۹-۱۹۱) و در شکست دادن طغیان شیخ حسین رئیس طایفه بنی ابدالخان در ۱۲۹۵ هـ ق و قتل او (سردارظفر، ۱۳۶۲: ۱۷۷-۱۷۸) (و گارثویت، ۱۳۷۵: ۱۵۳-۱۵۴) شرکت جسته و در اغلب این نبردها پیروز می‌گردید. محمدعلی غفاری در خصوص شرکت بختیاری‌ها در سرکوبی شورش شیخ عبدالله نقشبندی در دوره ناصرالدین شاه می‌نویسد: «... بیست سواره همین ایل بختیاری با محمد حسین خان [سپهدار] در جنگ اکراد چه شجاعت‌ها کردند. احدی جز این بیست سوار هرگز از سنگر بیرون نناخت.» (غفاری، ۱۳۶۱: ۱۱۶) بعدها نیز دیگر ایلخان‌های بختیاری در جنگ با سایر شورشیان و

سرکوبی آنها نقش آفرینی بسیاری نمودند. در ۱۳۲۰ هـ ق اسفندیار خان سردار اسعد اول ایلخان وقت بختیاری با اجازه و دستور دولت قاجار و بنا بر فتوای جهاد علما به سرکوبی اشرار طایفه دریکوند و بیرانوند اقدام نمود. (اوژن، ۱۳۹۴: ۱۴۸-۱۴۹) در برهه های دیگر نیز ایلخان های بعدی بختیاری بنا بر دستور دولت قاجار به سرکوبی اشرار بویبر احمدی، اصفهانی (جعفرقلی چرمهینی و رضا جوزدانی) و نایب حسین کاشی پرداختند.

این گونه همکاری های نظامی و انتظامی ایلخان های بختیاری با شاه و دولت قاجار در جنگ با بیگانگان متجاوز و یا در سرکوب اشرار و شورشیان داخلی، موجبات رضایت و خشنودی دربار قاجار را از ایلخان بختیاری فراهم می آورد و باعث می گردید تا روابط میان طرفین حسنه و نزدیک تر گردد. شاه قاجار معمولاً با پرداخت انعام و پاداش و یا دادن خلعت به ایلخانی هایی که کمک های نظامی به دولت ارائه می دادند، از زحمات و خدمات آنها تقدیر و تشکر می نمود. این مراسم شاه قاجار موجبات دلگرمی ایلخان بختیاری و استحکام و تقویت او را در مقام خود فراهم می آورد.

### **روابط ایلخان با شاهزادگان و مقامات دربار قاجار**

برقراری روابط دوستانه و خصوصی با شاهزادگان، رجال و مقامات دربار و دولت قاجار نیز از مسائلی بود که در پیشرفت کار و سرنوشت موفقیت آمیز ایلخان های بختیاری خیلی موثر بود. ایلخان های بختیاری با عده زیادی از رجال و مقامات ارشد و برجسته قاجاری روابط شخصی و دوستانه داشتند. حسینقلی خان اولین و برجسته ترین ایلخان بختیاری با تعداد زیادی از مقامات و رجال درجه اول قاجار روابط صمیمانه ای داشت. او که دارای روحیه ای سخاوتمندانه و دست و دل باز بود از ابزار هدیه و پیشکش بیشترین بهره را می برد. همین اخلاق حاتم گونه و بذل و بخشش بسیار وی، دوستان زیادی در میان مقامات ارشد قاجار برای وی بوجود آورد.

حسینقلی خان به مقامات قاجاری از شاه گرفته تا سایر درباریان و دیوانیان هدایا و پیشکش هایی تقدیم می نمود. وی هر وقت در تهران به حضور شاه می رسید و یا در بعضی سفرهای شاه و یا به هنگام شکار که در التزام رکاب بود، معمولاً بهترین و با ارزش ترین پیشکش ها خود همچون اسب، مادیان و یا تنگ را به شاه تقدیم می نمود. (گارثویت، ۱۳۷۵: ۱۵۱ و ۱۵۸) وی شاهزادگان و سایر درباریان را نیز از نعمت سخاوت خود بی بهره نمی گذاشت. همین هدایا در افزایش رضایت مندی قاجارها از ایلخان های بختیاری تاثیر بسزایی داشت و باعث می گردد تا تعداد دوستان و علاقمندان ایلخان های بختیاری در دربار و دولت قاجار روز بروز افزایش یابد. مکبن روز می نویسد:

ممکن است در بعضی موارد یکی از خوانین با تقدیم پیشکش به شاه موفق شود فرمان ایلخانی گری را برای خود بدست آورد». (مکین روز، ۱۳۷۳: ۱۰۵) حسینقلی خان با صدراعظم های چون امیرکبیر، سپهسالار و امین السلطان روابط دوستانه و صمیمی داشت. این سه نفر نیز او را در مقابل دشمنانی چون فرهاد میرزا معتمدالدوله و یا میرزا یوسف خان مستوفی الممالک مورد حمایت و پشتیبانی جدی قرار می دادند. سردار اسعد می نویسد که به هنگام تحریکات معتمدالدوله بر ضد حسینقلی خان ایلخانی، میرزا حسین خان سپهسالار صدراعظم به ایلخانی مشورت داد تا جهت رفع شبهات و پاک نمودن ذهن شاه، سفری به تهران نموده و شاه را ملاقات نماید. رفتن ایلخانی به پایتخت و دیدارش با شاه باعث گردید تا «شاه کمال مرحمت را درباره ایلخانی مرعی داشته» و دستور داد تا حکومت فارس را از معتمدالدوله دشمن ایلخانی خارج سازند. (سردار اسعد، ۱۳۷۶: ۱۷۲) حسینقلی خان همچنین با دیگر مقامات قاجار همچون خانلر میرزا احتشام الدوله و دوستعلی خان معیرالممالک دارای روابط دوستانه بود. دوست محمدخان معیر الممالک می نویسد که حسینقلی خان: «با دوستعلی خان معیر الممالک داماد شاه نیز دوستی داشت و هر وقت به تهران احضار می شد در منزل وی اقامت می نمود».

(معیر الممالک، ۱۳۹۰: ۲۱۹) اما یکی از مقاماتی که روابط دوستانه ویژه ای با حسینقلی خان ایلخانی داشت، میرزا علی اصغرخان اتابک امین السلطان آخرین صدراعظم ناصرالدین شاه بود. اتابک کمک های زیادی به ایلخانی می نمود و پس از قتل وی، پسرانش را مورد عنایت و محبت قرار داد و در رهایی آنها از زندان ظل السلطان تلاش بسیاری نمود. (بی بی مریم، ۱۳۸۲: ۹۶) و سردار اسعد، (۱۳۷۶: ۱۷۴) فووریه پزشک مخصوص ناصرالدین شاه نیز ذکری از پناه بردن برادر حسینقلی خان پس از قتل برادرش به منزل امین السلطان در تهران و دادخواهی از او می نماید. (فووریه، ۱۳۸۹: ۳۷۵) اگر چه همین روابط دوستانه با رجال و مقامات قاجار در اغلب موارد به سود حسینقلی خان ایلخانی بود و مقامات دولت او را در مقابل مشکلات و دشمنانش پشتیبانی می کردند اما گاهی نیز ایلخانی از این روابط ضرر می نمود. چرا که این روابط موجبات سوء ظن ناصرالدین شاه و یا مقاماتی که با ایلخانی خصومت داشتند را بر می انگیزخت، همچنانکه روابط حسنه حسینقلی خان با ظل السلطان نگرانی شاه و ولیعهدش مظفرالدین میرزا را نسبت به آینده تاج و تخت برانگیخته بود (اوژن، ۱۳۹۴: ۹۴) روابط دوستانه ایلخانی با سپهسالار و امین السلطان (دو صدراعظم مقتدر ناصرالدین شاه بر نگرانی و سوء ظن شاهزاده هایی چون معتمدالدوله و ظل السلطان افزوده بود. (امان، ۱۳۷۴: ۷۸)

ایلخان های پس از حسینقلی خان نیز روابط نزدیکی با شاهزادگان و رجال قاجاری داشتند امامقلی خان حاجی ایلخانی و رضا قلی خان ایل بیگی (ایلخان بعدی) روابط دوستانه ای با ظل السلطان داشتند. اسفندیار خان سردار اسعد اول، روابط دوستان و ویژه ای با رجالی چون امین السلطان صدراعظم، شهاب الملک حاکم خوزستان و امیرخان سردار حاکم لرستان داشت. (میرزایی، ۱۳۷۳: ۲۰۴) نظام السلطنه مافی می نویسد: «امیرخان سردار از زمان مرحوم حاجی میرزا حسین خان سپهسالار با اسفندیار خان رفیق و هم قطار بود» (نظام السلطنه، ۱۳۸۶: ۲۰۱) دیگر ایلخان های بختیاری چون محمد حسین خان سپهدار نیز ابتدا با مظفرالدین میرزای ولیعهد و سپس با ظل السلطان، حسینقلی خان نظام السلطنه مافی و دیگر رجال و مقامات دوستی داشت.

محمدعلی غفاری در این باره می نویسد: «محمد حسین خان یقین دارد اگر ولیعهد (مظفرالدین میرزا) سلطان شود، پوست از کله او خواهد کشید، لذا تا جان در بدن دارد در راه ظل السلطان می کوشد...» (غفاری، ۱۳۶۱: ۱۱۶) بنابراین در خصوص کیفیت روابط دوستانه ایلخان های بختیاری با رجال و مقامات قاجار بایستی به این نکته اذعان داشت ایلخان های بختیاری از حسینقلی خان گرفته تا مرتضی قلی خان صمصام آخرین ایلخان تاریخ بختیاری، روابط نزدیک و دوستانه ای با رجال و مقامات دولتی داشته اند و البته آنان دشمنانی نیز در بین مقامات دولتی داشته اند اما تعداد دشمنان بسیار اندک بوده و تاثیرگذاری کمتری در مقایسه با دوستان داشته اند.

### قدرت یابی بیش از اندازه ایلخان

یکی از عواملی که بر دیدگاه شاهان قاجار نسبت به ایلخان های بختیاری تاثیر فراوان داشت، میزان کسب قدرت و اندوختن ثروت یک ایلخان می باشد. این نکته که ایلخان بختیاری این میزان قدرت و ثروت را از برکت منصب ایلخانی که شاه به او واگذار کرده بود بدست آورده است یا اینکه او از ابتدا دارای قدرت و ثروت بسیار بوده است، از نظر شاه چندان اهمیتی نداشت. مهم این مسئله بود که کسب قدرت بیش از اندازه توسط یک ایلخان فی نفسه برای شاه و دولتش خطرناک محسوب می گردید. واقعیت این است که شاهان و دولت قاجار همیشه از ازدیاد قدرت ایلات و بویژه افزایش قدرت بختیاری ها ترس و وحشت داشتند. نجم الملک در سفر دوم خود به خوزستان در ۱۳۰۶ هـ ق یعنی چند سال پس از قتل حسینقلی خان ایلخانی می نویسد: «... [نظام السلطنه] حکایت نمودند از وضع بختیاری ها که دولت بی سبب از آن ها احتیاط دارد. خیال می کند که این ها وجودی دارند یا منشأ فساد و صلاح می شوند.» (نجم الدوله، ۱۳۸۶: ۷۷) حسینقلی خان اولین

ایلخانی بختیاری طی پانزده سال ایلخانی گری و سی سال حکومت بر ایل بختیاری، قدرت و ثروتی فراوان و افسانه ای بدست آورده بود. کتابچه خاطرات روزانه ایلخانی و فرامین و اسناد دولتی عصر قاجار همه از این نکته حکایت دارند که وی پس از انتخاب به مقام ایلخانی بختیاری از یک طرف قدرت و نفوذ بسیاری در درون و برون ایل بختیاری بدست آورده بود و از طرف دیگر به یکی از بزرگ مالکان و رمه داران ثروتمند جنوب غربی ایران تبدیل گردیده بود. (Garth wait, 1978:185)

در خصوص کسب قدرت و نفوذ حسینقلی خان ایلخانی نه تنها در ایل بختیاری و صفحات جنوب ایران بلکه حتی در پایتخت منابع سخنان بسیاری رانده اند. روابط دوستانه و صمیمی ایلخانی با اغلب رجال و مقامات قاجار که نشان از نفوذ کلام وی در میان آنها داشت در سطور قبل ذکر شد. ظل السلطان می نویسد که وقتی پدر تاجدارش خواست تا دستور قتل ایلخانی را به وی ابلاغ کند او را از اتاق ها و رالان های زیادی عبور دادند تا سرانجام وی در یک جای خلوت با شاه دیدار نمود. (مکین روز، ۱۳۷۳: ۱۷۶) همین امر نشان می دهد که ناصرالدین شاه به حضور دوستان و یا جاسوسان ایلخانی بختیاری در کاخ و دربار خود شک کرده بود. حسینقلی خان دوستی و نفوذ کلام زیادی بر روی حاکمان اصفهان، لرستان و خوزستان داشت. فرهاد میرزا معتمدالدوله در نامه هایش به شاه و حتی به خود ظل السلطان حاکم اصفهان مکررا ذکر می کند که ایلخانی قدرت بیش از اندازه کسب کرده و ظل السلطان را اغفال کرده است. مثلاً در نامه ای خطاب به ظل السلطان می نویسد: «آقازاده جوان، من به قربانت بروم، می بینیم که در کوچه پیچاپیچ شیر و ببر و پلنگ حسینقلی خان که نادر این عهد است به مثل شاه طهماسب صفویه بیچاره افتاده ای تا کی خودت و خانواده قاجار را تمام کنی.» (ظل السلطان، ۱۳۶۲: ۶۲۱). نجم الملک نیز معتقد است که احتشام السلطنه حاکم خوزستان کاره ای نیست و همه کارها در این ایالت در دست حسینقلی خان است. (نجم الملک، ۱۳۴۱: ۵۳) همین نویسنده درباره تسلط و نفوذ حسینقلی خان ایلخانی بختیاری بر روی اعراب سخن می گوید (نجم الملک، ۱۳۴۱: ۴۷ و ۵۵) و معتقد است که اعراب بدون اجازه حسینقلی خان آب هم نمی خورند و حسینقلی خان هر وقت بخواهد شیوخ اعراب را عزل و نصب می کند. (نجم الملک، ۱۳۴۱: ۱۱۲ و ۱۱۷) و (khazeni, 2009:67)

علاوه بر روابط ایلخانی با رجال و مقامات قاجار از یک سو و اعراب خوزستان از سوی دیگر، حسینقلی خان بختیاری روابط دوستانه و ویژه ای با مقامات و اتباع انگلیسی داشته است. انگلیس ها از دوران حکومت محمدتقی خان چهارلنگ با بختیاری ها ارتباط داشتند. اما در دوران حکومت حسینقلی خان روابط طرفین نزدیک تر گردیده بود. روابط دوستانه ایلخانی بختیاری با جرج مکنزی

تاجر انگلیسی و خرید تعدادی اسلحه از وی که از دید شاه و مقامات قاجار پنهان نمانده بود و موجب هراس آنها گردید. (۱۰: ۲۰۰۳, Bakhtiar) این مسئله، سوءظن ناصرالدین شاه قاجار را برانگیخت و همین امر تاثیر زیادی بر صدور دستور قتل ایلخانی داشت. (بیشوب، ۱۳۷۵: ۸۱) و (کرزن، ۱۳۴۹: ۴۰۴) نجم الملک در این باره می نویسد: «... اسفندیارخان سرتیپ [پسرایلخانی] پاکتی به اینجانب نوشت در مسئله تفنگ سوزنی ۲۴۰ لوله و فشنگ ده هزار عدد که آیا شما در این باب تلگرافی نموده اید به جناب مخبرالدوله که ایلخانی چنین معامله ای با مکنزی نموده؟ حقیر از روی حقیقت جواب نوشت که این مسئله بازیچه نیست صحت این مسئله را به تواتر شنیده ولی هنوز به هیچ وجه اطلاع نداده نه به طهران و نه به اصفهان...» (نجم الملک، ۱۳۴۱: ۱۳۸) بعدها پس از قتل ایلخانی، ظل السلطان در ۱۳۰۴ هـ ق در همین باره به پدر تاجدارش می نویسد: «حالت حسینقلی خان بختیاری در پیشگاه مبارک مکشوف و معلوم بود که این اواخر چه غرور و طغیانی پیدا کرده و به چه اندازه به دولت بی اعتنا شده و احکام دولت را سرسری می پنداشت و همواره در خیال فتنه و فساد داخلی بود و یا خارجه همراهی پیدا کرده، در فکر جمع آوری اسلحه و خود آرایی وقت می گذرانید.» (مکین روز، ۱۳۷۳: ۱۷۴) و (ابطحی، ۱۳۸۴: ۳۰) بنجامین نیز می نویسد: «... ایلخانی مدت‌ها بود که از گوشه و کنار و خارج اسلحه می خرید... شایع بود که می خواهد دست به شورش و یاغی‌گری بزند و یا حداقل ادعای استقلال نماید...» (بنجامین، ۱۳۶۳: ۱۰۸).

حسینقلی خان ایلخانی علاوه بر دوستی با مکنزی، با انگلیسی‌های دیگری چون ادوارد استاک، والتر بارینگ نیز دیدار و یا حشرونشر داشت. (لایارد و همکاران، ۱۳۷۱: ۱۹۹-۲۰۰) و (قربان پور، ۱۳۹۰: ۱۱۸) قتل ایلخانی نقطه پایانی بر روابط ایلخان‌های بختیاری و انگلیسی‌ها نبود بلکه برعکس با احداث جاده لینچ و سپس کشف و استخراج نفت در قلمرو بختیاری‌ها، روابط طرفین نزدیک تر نیز گردید و انگلیسی‌ها طی جنگ جهانی اول در انتصاب نصیرخان سردار جنگ به مقام ایلخانی تام الاختیار بختیاری آنهم به مدت پنج سال دخالت مستقیم نمودند. (گارثویت، ۱۳۷۳: ۲۸۷)

علاوه بر مسئله روابط حسینقلی خان ایلخانی با مقامات قاجار، اعراب خوزستان و مقامات انگلیسی که نشان دهنده نفوذ بسیار وی بود، اصولاً حسینقلی خان هم در درون ایل بختیاری و هم در خارج از آن ایل قدرت بسیاری بدست آورده بود. همین قدرت وی بود که باعث ایجاد نظم و امنیت در درون ایل بختیاری و در خوزستان گردیده بود. می توان گفت در ابتدا این دولت قاجار بود که دست وی را باز گذاشت و به او قدرت داد تا بتواند نظم و امنیت را به ایل بختیاری و مناطق همجوار آن باز گرداند، اما وی به هر علت ممکن و چه بسا به علت عدم نظارت ظل السلطان بیشتر

از حد لازم قدرت گرفت، در حدی که بعدها برای قاجارها تبدیل به یک تهدید در سطح ملی گردید. (Bradburd, 1987:60) ادوارد استاک ذکر می کند که پسر ایلخانی در دیدار با وی گفته است اگر بختیاری ها بخواهند می توانند اصفهان را به تصرف درآورند. (لایارد و همکاران، ۱۳۷۱: ۲۰۴) ایلخانی تا آنجایی پیش رفت که بهنگام فشارهای معتمدالدوله حاکم فارس بر وی، طی نامه ای او را تهدید کرده بود که پنج هزار سوار بختیاری می فرستم چنین و چنان کنند. معتمدالدوله نیز اصل نامه ایلخانی را برای شاه فرستاد، با شرحی چنین که بر حاشیه آن نوشته بود: «جد ما محمد حسن خان قاجار با سی سوار خروج کرد، شما از شخصی که پنج هزار سوار دارد و به خط خودش به حاکم فارس می نویسد، واهمه ندارید». (مکین روز، ۱۳۷۳: ۱۷۴)

معتمدالدوله در تلگرافی به میرزا حسین خان سپهسالار صدراعظم در ۱۷ صفر ۱۲۹۶ می نویسد: «... خدا از شر ایلخانی و دروغ های او سلطنت صد و پنجاه ساله قاجار را حفظ بکند... به حق خدا همه بازی های ایلخانی است که به دروغ تحریک می کند...» (سند شماره ۳/۸۲۲/۳-۲۹۵) دیگر مقامات عالی رتبه قاجار همچون میرزا یوسف خان مستوفی الممالک و ظل السلطان طی تلگراف هایی به قدرت و نفوذ بسیار ایلخانی بختیاری اشاره دارند. (سند شماره ۳/۹۰۱/۲-۲۹۵ و سند شماره ۳/۹۱۲/۲-۲۹۵) معتمدالدوله همچنین در نامه ای کنایه آمیز به ظل السلطان نیز به قدرت یابی بیش از اندازه حسینقلی خان ایلخانی چنین اشاره می کند: «... اگر چنین نبود هفت لنگ و چهارلنگ را صاحب نمی شد، چهار محال و فریدن را تصاحب نمی کرد. جانکی و رامهرمز را صاحب نمی شد... لیکن عقلا هر قدر کافی باشند و بخت هم مساعدت جدی، پا را از اندازه خود بیرون نمی گذارند. حضرت والا که شاهنشاه زاده و ولی نعمت زاده و آقا زاده هستید، پنج هزار سوار ندارید و این عبارت را که او می نویسد، مرقوم نمی فرمائید...» (میرزایی، ۱۳۷۳: ۱۷۰) و (پوریختیار، ۱۳۸۲: ۷۸) نامه ها و تلگرافات مکرر معتمدالدوله به برادرزاده خود ناصرالدین شاه درباره خطر ازدیاد قدرت ایلخانی بختیاری برای سلطنت قاجار موجب گردید تا شاه خود برای کشف حقیقت این مسئله اقدام نماید. او برای پی بردن به میزان قدرت و ثروت حسینقلی خان، معتمدین مخصوص خود را جهت بررسی و تحقیق در این باره به بهانه هایی چون بازدید سد اهواز و یا خرید اسب و یا زیارت خانه خدا به خوزستان و چهارمحال اعزام نمود (پوریختیار، ۱۳۸۴: ۲۸) نجم الملک معتمد شاه در گزارش سفر خود از فراوانی قدرت و ثروت ایلخانی و خانواده اش سخن می گوید. او تعداد جمعیت بختیاری متعلق به ایلخانی را صد هزار نفر، تعداد تفنگچیان او را حداقل ۲۵ الی ۳۰ هزار نفر و تعداد مادیان های او را بیش از هزار رأس برآورد نموده است. (نجم الملک، ۱۳۴۱: ۵۶ و ۷۶)



همچنین وی ایلخانی را شخصی تفرقه انداز، فتنه گر، رشوه خوار و صاحب اختیار خوزستان می نامد که حاکم خوزستان از او حساب می برد و اعراب از او حرف شنوی کامل دارند. (نجم الملک، ۱۳۴۱: ۵۳ و ۵۵ و ۷۷ و ۱۰۶) گزارشات حاجی حسینقلی نایب که تحت عنوان خرید اسب به چهارمحل رفته بود نیز تایید کننده قدرت و ثروت فزون از حد حسینقلی خان ایلخانی بود. (مکین روز، ۱۳۷۳؛ ۱۷۴-۱۷۵) وقتی که گزارشات مأمورین مورد وثوق ناصرالدین شاه دریافت گردید، شاه عمق خطر افزایش قدرت حسینقلی خان بختیاری را احساس نمود و تصمیم گرفت تا به هر قیمت ممکن این خطر را از سر سلسله قاجار دفع نماید. (Samsam baktiari, 2006: 75) بنابراین پسرش مسعود میرزا ظل السلطان را که قدرت یابی بیش از اندازه ایلخانی بختیاری را به علت غفلت و بی توجهی او می دانست، به تهران احضار و اجرای قتل ایلخانی را بر عهده وی گذاشت. (اعتماد السلطنه، ۱۳۸۹: ۲۱۰) ظل السلطان می نویسد که شاه به او گفت: «امروز تخت سلطنت و تاج قاجار به یک مویی بسته و آن مو در دست تو و یک قیچی بسیار تندی حسینقلی خان گرفته می خواهد این مو را قطع کند...» (مکین روز، ۱۳۷۳: ۱۷۶). ظل السلطان نیز در ۲۷ رجب ۱۲۹۹ بنا بر دستور پدرش حسینقلی خان ایلخانی را در باغ کاج اصفهان به قتل رساند. (سردار اسعد، ۱۳۷۶: ۱۷۳) و (khazeni, 2009: ۷۲).

## نتیجه

در این پژوهش با مطالعه و بررسی منابع اصلی و دسته اول تاریخی بویژه اسناد، موضوع علل و عوامل تأثیرگذار بر روابط ایلخان های بختیاری و شاهان قاجار از سال ۱۲۸۴ هـ ق که اولین ایلخان بختیاری منصوب گردید تا انقلاب مشروطیت، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. این عوامل عبارت بودند از: مسئله برقراری نظم و امنیت در ایل بختیاری و مناطق همجوار، نحوه جمع آوری مالیات ایل بختیاری و واریز آن به خزانه دولت قاجار، چگونگی کمک به دولت قاجار در جنگ های داخلی و خارجی با اعزام سوار و سرباز و شرکت در جنگ ها، مسئله روابط دوستانه با رجال و مقامات قاجاری و مسئله قدرت یابی بیش از اندازه ایلخانی بختیاری که همه این عوامل مورد بررسی قرار گرفت. اگر چه هر کدام از این مسائل و عوامل بر روابط میان ایلخانی های بختیاری و شاهان قاجار و دولت شان تا اندازه ای تأثیرگذار بوده اند اما مسئله قدرت یابی بیش از اندازه هر ایلخان بختیاری بیشتر از دیگر عوامل می توانست روابط وی و شاه قاجار را تحت تأثیر قرار دهد.

مسئله ای که در طی دوره زمانی مورد پژوهش حداقل منجر به قتل یک ایلخانی و برکناری چند ایلخانی دیگر در ایل بختیاری گردید.

## منابع و مأخذ

### اسناد:

- تصویر عریضه حسینقلی خان ایلخانی بختیاری به ناصرالدین شاه قاجار در سال ۱۲۹۵ هـ. ق در آرشیو نگارنده.
- سند شماره ۳/۸۲۲/۳-۲۹۵، تلگراف معتمدالدوله به سپهسالار، سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران.
- سند شماره ۳/۹۰۱/۲-۲۹۵، تلگراف مستوفی الممالک صدراعظم به ظل السلطان و پاسخ وی، سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران.
- سند شماره ۳/۹۱۲/۲-۲۹۵، تلگراف ظل السلطان به مستوفی الممالک صدراعظم، سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران.

### کتابها:

- ابطحی، علیرضا، (۱۳۸۴)، *نفت و بختیاری ها*، چاپ اول، تهران، موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- احتشام الدوله، خانلر میرزا، (۱۳۸۲)، *جنگ ایران و انگلیس در خرمشهر*، به تصحیح بهجت میری، چاپ اول، تهران، آنزان.
- اعتمادالسلطنه؛ محمدحسن خان، (۱۳۸۹)، *روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه*، با مقدمه ایرج افشار، چاپ هفتم، تهران، امیرکبیر.
- امان، دیترا، (۱۳۷۴)، *بختیاری ها عشایر کوه نشین ایرانی در پویه تاریخ*، ترجمه سید محسن محسنیان، چاپ سوم، آستان قدس رضوی.
- امیری، مهرباب، (۱۳۸۵)، *حکومتگران بختیاری*، چاپ اول، تهران، پازی تیگر.
- اوژن بختیاری، ابوالفتح، (۱۳۹۴)، *تاریخ بختیاری*، تصحیح و تحقیق از محسن حیدری، چاپ اول، تهران، نشر تمتی.

- بنجامین، س.ج. و ، (۱۳۳۳)، *ایران و ایرانیان*، ترجمه محمدحسین کرد بچه، چاپ اول، بی جا، سازمان انتشارات جاویدان.
- بی بی مریم بختیاری، (۱۳۸۲)، *خاطرات سردار مریم بختیاری*، چاپ اول، تهران، آنزان.
- بیشوب، ایزابلا، (۱۳۷۵)، *از بیستون تا زرد کوه بختیاری*، ترجمه مهراب امیری، چاپ اول، تهران ، آنزان.
- پوربختیار، غفار، (۱۳۸۷)، *اسناد برگزیده بختیاری ها در تاریخ معاصر ایران*، چاپ اول، مسجدسلیمان، دانشگاه آزاد اسلامی.
- \_\_\_\_\_، (۱۳۸۴)، *بختیاری نامه، پژوهشی در تاریخ و فرهنگ قوم بختیاری*، چاپ اول، تهران، آنزان.
- \_\_\_\_\_، (۱۳۸۷)، *جامعه بختیاری و تحولات ایران*، چاپ اول، مسجدسلیمان، دانشگاه آزاد اسلامی.
- \_\_\_\_\_، (۱۳۸۲)، *قتل حسینقلی خان ایلخانی بختیاری و نقش معتمدالدوله حاکم فارس در آن*، فصلنامه گنجینه اسناد، سال سیزدهم، پاییز و زمستان، ش ۵۱ و ۵۲، صص ۷۳ و ۸۲.
- دالمانی، هانری رنه، (۱۳۷۸)، *از خراسان تا بختیاری*، ترجمه غلامرضا سمیعی، چاپ اول، تهران، نشر طاوس.
- راولینسون، سرهنری، (۱۳۶۲)، *سفرنامه راولینسون*، ترجمه سکندر امان الهی بهاروند، چاپ اول، تهران، انتشارات آگاه.
- سردار اسعد، علی قلی خان؛ لسان السلطنه سپهر، عبدالحسین، (۱۳۷۶)، *تاریخ بختیاری*، به اهتمام جمشید کیان فر ، چاپ اول ، تهران، اساطیر.
- سردار ظفر بختیاری، خسرو خان، (۱۳۶۱)، *یادداشت ها و خاطرات سردار ظفر بختیاری*، چاپ اول، تهران، بساولی (فرهنگسرا).
- عکاشه، اسکندر خان، (۱۳۶۵)، *تاریخ ایل بختیاری*، چاپ اول، تهران، یساولی (فرهنگسرا)
- غفاری، محمدعلی، (۱۳۶۱)، *تاریخ غفاری (خاطرات و اسناد)*، چاپ اول، تهران، نشر تاریخ ایران.
- فووریه، (۱۳۸۹)، *سه سال در دربار ایران*، ترجمه عباس اقبال آشتیانی، چاپ دوم، تهران، دنیای کتاب.
- قربان پور دشتکی، خدا بخش، (۱۳۹۰)، *انگلیس و بختیاری (۱۸۹۶-۱۹۲۵م)* ، چاپ اول، تهران، موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.

- لایارد، سر اوستن هنری، (۱۳۷۶)، *سفرنامه لایارد*، ترجمه مهرباب امیری، چاپ دوم، تهران، آزان.
- لایارد، سر اوستن هنری؛ استاک؛ مادام بیثوب؛ لینچ؛ ویلسون، (۱۳۷۱)، *سیری در قلمرو بختیاری و عشایر بومی خوزستان*، ترجمه و حواشی از مهرباب امیری، چاپ اول، تهران، فرهنگسرا.
- لمبتون، آن (۱۳۲۹)، *مالک و زارع در ایران*، ترجمه منوچهر امیری، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- کرزن، جرج. ن، (۱۳۷۳)، *ایران و قضیه ایران*، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، ج ۲، چاپ چهارم، تهران، علمی و فرهنگی.
- کیاوند، عزیز، (۱۳۷۴)، *در برزخ گذار* (بررسی بامدی طایفه ای از ایل بختیاری)، چاپ اول، تهران، علمی و فرهنگی.
- گارثویت، جن، راف، (۱۳۷۵)، *بختیاری ها در آئینه تاریخ*، ترجمه مهرباب امیری، چاپ اول، تهران، آزان.
- \_\_\_\_\_، (۱۳۷۷)، *خان های بختیاری، دولت ایران و انگلیس ۱۹۱۵-۱۸۴۶*، ترجمه نصرالله صالحی، فصلنامه تخصصی تاریخ معاصر ایران، سال دوم، شماره هشتم، زمستان ۱۳۷۷، صص ۴۴-۷.
- \_\_\_\_\_، (۱۳۷۳)، *تاریخ سیاسی اجتماعی بختیاری*، ترجمه مهرباب امیری، چاپ اول، تهران، سهند.
- گالت، چارلز الکساندر و دیگران، (۱۳۸۷)، *ایل بختیاری*، به ترجمه و کوشش کاوه بیات و محمود طاهر احمدی، چاپ اول، تهران، پردیس دانش و شرکت نشر و پژوهش شیرازه.
- مکبن روز، الیزابت، (۱۳۷۳)، *با من به سرزمین بختیاری بیایید*، ترجمه مهرباب امیری، چاپ اول، تهران، آزان و سهند.
- معیر الممالک، دوستعلی خان، (۱۳۹۰)، *رجال عصر ناصری*، چاپ اول، تهران، نشر تاریخ ایران.
- میرزایی، غلامرضا، (۱۳۷۳)، *بختیاری ها و قاجاریه*، چاپ اول، شهرکرد، انتشارات ایل.
- نجم الدوله، عبدالغفار، (۱۳۸۶)، *سفرنامه دوم نجم الدوله به خوزستان*، با مقابله و تصحیح احمد کتابی، چاپ اول، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- نجم الملک، عبدالغفار، (۱۳۴۱)، *سفرنامه خوزستان*، بکوشش محمد دبیرسیاقی، تهران، موسسه مطبوعاتی علمی.
- نظام السلطنه ما فی، حسینقلی خان، (۱۳۸۶)، *خاطرات و اسناد، به کوشش معصومه مافی و منصوره اتحادیه (نظام مافی)*، چاپ دوم، تهران، نشر تاریخ ایران.

- وحیدنیا، سیف اله، (۱۳۸۷)، در زیر تیغ، چاپ اول، تهران، نشر داستان.
- ویلز، (۱۳۶۸)، *ایران در یک قرن پیش* (سفرنامه دکتر ویلز)، ترجمه غلامحسین قراگوزلو، چاپ اول، تهران، اقبال.
- هنت، کاپیتان، (۱۳۶۲) *جنگ ایران و انگلیس*، ترجمه حسین سعادت نوری، چاپ اول، تهران، دنیای کتاب.

### منابع و مأخذ به زبان انگلیسی

۱. -Bakhtiar, Laleh and lailee(2003), *Abol Ghassem of Tus*, KAZI Publications, Inc , Chicago, USA.
۲. \_Bradburd, Daniel(1987), ((*Tribe, State and History in Southwest Asia: A Review*)), Nomadic Peoples, Number 23.
  - Khazeni, Arash(2009), *Tribes and Empire on the Margins Of Nineteenth-Century Iran*, washangtown university Press.
  - Samsam Bakhtiari, Ali Morteza(2006), *The last of the Khans, USA*. Lincoln , Iuniverse, Inc.
۳. -Garthwait, gen.Ralf, *The Bakhtiyari Ilkani: an illnsion of unity* , international Journal middle East Studies, 8(1977), PP.145-160.
۴. \_\_\_\_\_ *The Bakhtiyari khans , The Goverment of Iran , and the British, 1846 – 1915*, International Journal Middle East Studies, 3(1975), pp24-44.
۵. \_\_\_\_\_, *Pastoral Nomadism and Tribal Power*, Iranian Studies , V.XI, 1978, PP173-197.